



اسلوب و فلسفه دعا از منظر نهج البلاغه

معصومه حافظی^{۱*}، محمدرضا میرزایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲
(از ص ۲۳ تا ۳۹)

چکیده

این پژوهش، به هدف ترسیم اسلوب و فلسفه صحیح دعا، به واکاوی کتاب شریف نهج البلاغه پرداخته و دانش مربوطه را از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان امام پارسایان حضرت علی(ع) جویا گشته است. نتایج حاصل از این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، نشان می‌دهد که از منظر امام علی(ع)، دعا که نوعی عبادت بوده، لازم است همواره با اخلاص، توکل و کار و تلاش همراه باشد. از گفتار و سیره حضرت علی(ع) در این باره، آداب و اسلوب دعا نمودن به درگاه حق تعالی، همچون درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص)، شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار، ذکر صفات و قدرت خداوند و درخواست با خشوع و خضوع، قابل برداشت است. در فرهنگ نهج البلاغه، فلسفه‌های دعا و درخواست به درگاه الهی، از قبیل دفع بلا، اجابت حوائج، ایجاد قرب به خداوند و کسب آرامش نیز مطرح شده است. در بررسی دعا‌های مولی علی(ع) در نهج البلاغه، برخی از فلسفه‌های محوری دعا‌های ایشان از قبیل: آخرت‌گرایی، هدایت‌گرایی، استغفار‌گرایی و دین‌گرایی، روشنگری دارد.

کلید واژه‌ها: حضرت علی(ع)، دعا، نهج البلاغه، قرآن کریم، فرهنگ.

۱. دانش آموخته دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم

۲. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

کتاب شریف نهج البلاغه، بعد از قرآن کریم، مهم‌ترین متن دینی محسوب می‌گردد که آموزه‌های ناب آن، عطش‌های معرفتی انسان در ابعاد مختلف را برطرف نموده و از سرچشمه دانش امام اول شیعیان سیراب می‌نماید. دانش‌های مندرج در نهج البلاغه، در حقیقت ترویج‌دهنده همان آموزه‌های ناب و اعجاز آمیز قرآن کریم بوده که توسط نخستین امام و پیشوای شیعیان، مولی‌الموحدین حضرت علی بن ابی‌طالب (ع)، در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها آموزش داده شده است؛ زیرا رابطه حضرت علی (ع) با قرآن کریم، رابطه‌ای تفکیک‌ناپذیر بوده و به تعبیر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)، علی با قرآن و قرآن با علی است «عَلِيٍّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۹).

سفره معرفت‌زای نهج البلاغه همواره به روی تشنه‌کامان حقیقت باز بوده و با مراجعه به آن، تفسیرهای صحیحی از محتوای دینی به دست می‌آید که در این سیر پژوهش درصدد واکاوی یکی از دانش‌های کاربردی این کتاب سترگ هستیم.

۱-۱. بیان مسئله

یکی از موضوعات عقیدتی که در این اقیانوس معارف، از جایگاه مهمی برخوردار است، دعا و درخواست به درگاه الهی است. در فرهنگ نهج البلاغه، طلب حاجت به درگاه خداوند، از اسلوب و آداب ویژه‌ای برخوردار بوده و فلسفه و اهداف آن در کلام ادیبانه و حکیمانه حضرت علی (ع) جلوه‌گر است. سؤال محوری این پژوهش آن است، که دعا در آموزه‌های نهج البلاغه از چه اسلوب و چه فلسفه‌ای برخوردار است؟ برای یافتن پاسخی مستدل و دانشی منسجم در این باره، این پژوهش بنا دارد با مبنا قرار دادن متن شریف نهج البلاغه، فراهی‌های مربوط به دعا و نیایش را واکاوی نموده و با استفاده از شرح‌های نهج البلاغه و بهره بردن از کتب روایی و تفسیری، به روش توصیفی - تحلیلی، به استخراج و تبیین اسلوب و فلسفه دعا از منظر مولی علی (ع) پرداخته و بر پایه آن بنیاد و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، به تبیین و تفسیر مستندات مربوطه بپردازد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

بررسی دعا و نیایش در نهج البلاغه، کاری نو و جدید نبوده؛ لیکن بررسی اسلوب و فلسفه دعا در این کتاب سترگ، در قالب تحقیقی منسجم و جداگانه می‌تواند، پژوهشی نو محسوب گردد. پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون دعا و نیایش از منظر حضرت علی (ع) صورت پذیرفته، بیشتر از زوایای کلی به مسئله دعا پرداخته؛ همچون مقاله «دعا در کلام و نگاه علی (ع)» از قهرمان ایزدی (۱۳۸۰) که به‌طور کلی به آداب، فواید، شرایط اجابت و نمونه‌هایی از دعاهای حضرت پرداخته است و نیز مقاله «دستورالعمل‌ها و دست‌آوردهای دعا در نهج البلاغه» از اقبال، ممتحن و حسینی میلانی (۱۳۹۴) که بیشتر به ذکر و تبیین انواع دعاها - اعم از فردی، جمعی، حکومتی و سیاسی، جهادی و جنگی - پرداخته و در ضمن دعاهای مطرح‌شده به برخی آداب و اسلوب دعا در نهج البلاغه پرداخته است. به‌رغم تداخل برخی از مباحث

پژوهش‌های سابق با پژوهش حاضر و نیز پایان‌نامه‌ها و یا مقالاتی که به‌طور اختصار به فلسفه دعا پرداخته‌اند، تفاوت‌های بارزی در این پژوهش قابل‌مشاهده است؛ در این پژوهش، ضمن طرح جایگاه و ضرورت دعا از منظر حضرت علی(ع)، ذیل مبحث چگونگی دعا کردن، مباحثی پیرامون لزوم اخلاص، توکل، سعی و تلاش و بیان آداب دعا، از محتوای سخنان حکیمانه حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه اتخاذ شده است. افزون بر آن در این نوشتار، فلسفه دعا نیز، از افق بلند نگاه مولی علی(ع) مورد تبیین و بررسی قرار گرفته و به برخی از فلسفه‌های محوری در دعاهای ایشان نیز پرداخته شده است که این نوع سامان‌بندی، آن را متفاوت از پیشینه پژوهش می‌کند. باوجوداین، بدیهی است که جستجو در این اقیانوس ژرف، تحقیقی گسترده‌تر را می‌طلبد و کاوش در آن در حد یک مقاله، صرفاً می‌تواند پرتوهای از نور نهج‌البلاغه را استخراج نماید و حق مطلب اقتضا می‌نماید که این موضوع پژوهشی، به‌صورت گسترده‌تری دنبال گردد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجاکه دعا، از جمله مأنوس‌ترین شیوه ارتباط بندگان با خداوند متعال است و سعادت و سلامت روحی و روانی انسان از این رهگذر، می‌تواند حاصل آید، ضرورت واکاوی اسلوب و آگاهی نسبت به فلسفه آن، از نظرگاه امام معصوم(ع)، - که عاری از هر گونه خطایی است - آشکار است؛ به‌ویژه عدم شناخت آداب صحیح و فلسفه حقیقی دعا، چه‌بسا ممکن است موجب اعراض و یا غفلت تشنه‌کامانی گردد که اسیر جهالت گشته و از فطرت خداجوی خود دور مانده‌اند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم، به‌صراحت، بندگان خود را به دعا کردن فرا می‌خواند و می‌فرماید: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر/۶۰) (مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم). بی‌گمان آگاهی یافتن از فلسفه حقیقی دعا و درخواست به درگاه الهی، خود زمینه‌ساز ترویج و تشویق فرهنگ صحیح دعا و نیایش است. حضرت علی(ع) با دانش کامل خود به زیبایی تمام این دانش را همچون دیگر جلوه‌های عبادت خداوند، به تصویر کشیده است. از این‌رو، این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی جایگاه و ضرورت دعا از منظر حضرت علی(ع)، به بررسی چگونگی دعا و نیز فلسفه دعا از منظر نهج‌البلاغه بپردازد.

۲. بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی دعا

الف: بررسی لغوی دعا: "دعا" از لحاظ لغوی از ماده (دعو) به معنای (فراخواندن) است و اصل آن (دعاو) بوده که بر اثر قواعد اعلال، (واو) به همزه تبدیل شده است. (ابن‌منظور، ۲۰۰۰: ۲۶۷/۵) ابن‌فارس از لغویون متقدم، در مورد این ماده این‌گونه تصریح نمودند: «و هو أن تميل الشيء إليك بصوت و كلام يكون منك» (ابن‌فارس، بی‌تا: ۲۹۷/۲) یعنی دعا آن است که کسی را با صدا و کلامی به خود متوجه کنی. بررسی لغوی واژه‌ی (دعا) در قرآن کریم، نیز به این معنا اشاره دارد؛ همچون آیه شریفه‌ای که می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (فصلت/۳۳): (چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم؟»)

ب: تعریف اصطلاحی دعا: دعا از لحاظ اصطلاحی، با معنای لغوی خود قرابت بسیاری دارد. بهترین منبعی که می‌توان برای ارائه تعریف اصطلاحی دعا، بدان استناد جست، قرآن کریم است که می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ (البقره/۱۸۶): (و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!) در این آیه شریفه، پس از مطرح‌شدن درخواست بندگان به درگاه الهی، از نزدیک بودن خداوند به آن‌ها و اجابت خواسته آن‌ها در هنگامی که خداوند را فرا می‌خوانند، سخن گفته شده است. با توجه به این آیه شریفه، دعا همان فراخواندن خداوند و طلب حاجت از او است. راغب اصفهانی مراد از (دعوت) در کلام عرب را این‌چنین می‌داند: «اذا سألته و اذا استعنته» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۳۱۵) یعنی "دعوت" زمانی است که از او (خداوند) چیزی را درخواست نمائی و از او یاری بجویی؛ از این‌رو، می‌توان در تعریف اصطلاحی دعا گفت: (دعا نوعی اظهار نیاز و درخواست بندگان جهت اجابت نمودن به درگاه خداوند متعال است). البته برخی از نویسندگان معنای اصطلاحی دعا را فراتر از این تعریف دانسته و درخواست از خدا یا بیان حاجات را هدف از دعای بعضی از افراد دانسته‌اند؛ با این توضیح که نفس صدازدن و خواندن خداوند، بدون هیچ‌گونه درخواستی نیز دعا محسوب می‌شود؛ (نوریها، ۱۳۷۲: ۱۷۱) و یا علامه طباطبایی (ره) اشاره می‌کند که درخواست حاجت در دعا و برآوردن حاجت در استجابت، جزء معنای دعا نیست، بلکه غایت و متمم آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۱۷). این برداشت از افق توجه به گستره معنای لغوی دعا، برداشتی صحیح است و با معنای لغوی دعا در قرآن کریم مطابقت دارد و البته چنین برداشتی می‌تواند به جهت قرابت معنای لغوی و اصطلاحی دعا باشد؛ لیکن معنایی که از دعا همواره در میان متشرعین مصطلح بوده، همان خواستن حاجت از خدای متعال است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵۴) و مراد ما از دعا در اینجا نیز همین معنا است.

۲-۲. جایگاه و ضرورت دعا

دعا از منظر حضرت علی(ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حتی در نگاه ایشان، از جمله محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند شمرده می‌شود؛ چنانکه امام صادق(ع) از قول ایشان نقل کرده‌اند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۶۸-۴۶۷) دعا در دانش حضرت علی(ع)، کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است؛ چنانکه فرمودند: «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ» (همان: ۴۶۸)؛ به همین دلیل، ایشان به فراوانی دعا کردن سفارش می‌نمودند؛ چنانکه در نامه خود به فرزندشان امام حسن مجتبی(ع) سفارش نمودند که فراوانی از خداوند درخواست خیر و نیکی داشته باش (نامه/۳۱).

در جهل بشری و بدون توجه به دانش حقیقی دعا، جایگاه دعا به هنگامه گرفتاری و درد و رنج انسان‌ها محدود می‌گردد. در قرآن کریم پیرامون این واقعیت، به رنج و محنت انسان در دریا اشاره شده است که در آن هنگام، انسان تنها از خداوند طلب یاری می‌نماید؛ ولی هنگامی که نجات یافت، حقیقت را فراموش می‌نماید. ﴿وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾ (الاسراء/۶۷)؛ (و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فراموش می‌کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید و انسان، بسیار ناسپاس است.) آموزه‌های حضرت علی(ع)، ترسیم‌کننده گستره و دامنه حقیقی دعا بوده و در فرهنگ مدرن نهج البلاغه، همه افراد، همواره نیازمند دعا و نیایش بوده و حتی چنانچه تندرست بوده و خود را از بلا و گرفتاری مصون یابند، از دعا و درخواست به درگاه خداوند متعال بی‌نیاز نمی‌باشند؛ چنانکه در این باره فرموده‌اند: «مَا الْمُتَمَلِّئِي الَّذِي قَدِ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ بِأَخْوَجٍ إِلَى الدُّعَاءِ الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءُ» (حکمت/۳۰۲) (آن کس که به شدت گرفتار دردی است، نیازش به دعا، بیشتر از شخص تندرستی که از بلا در امان است، نیست.)

در قرآن کریم، از کسانی که تنها به هنگامه ضرر، خداوند را می‌خوانند و از او درخواست می‌کنند و پس از برطرف شدن زیان و ضرر، غفلت می‌ورزند، به "مسرفین" یاد شده است. ﴿وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنِّهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (یونس/۱۲)؛ (هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در حال: در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می‌خواند اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسراف‌کاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی‌کنند).

در ضرورت دعا کردن جهت پاسخ یافتن، همان بس که در قرآن کریم به تعبیر علمای طباطبایی در تفسیر آیه شریفه ﴿أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ (البقرة/۱۸۶)؛ (دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم.) وعده اجابت، مقید به قید (اذا دعان) یعنی هنگامی که مرا بخوانند، شده است؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۳۱) قیدی که توضیحی بوده و مقید خود، یعنی (دعوة الداع) را شرح می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹/۴۱۲) در آیه شریفه ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر/۶۰)؛ (مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم)، نیز دعا نمودن و درخواست، مقدمه استجاب است. افزون بر این به تعبیر یکی از مفسران، این آیه، بندگان را به دعا کردن، تشویق نیز نموده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹/۴۰۴).

۲-۳. چگونگی دعا کردن

حضرت علی(ع)، امام و پیشوای پارسایان، اسوه کامل دعا و نیایش بوده و با واکاوی در سخنان گهربار ایشان، می‌توان فرهنگ صحیح دعا و نیایش را ترسیم نمود. شیوه درخواست بندگان الهی از معبود خود، در پرتو تعلیمات معصومین(ع)، به‌عنوان بزرگ‌ترین معلمان و مفسران قرآن کریم، شیوه‌ای صحیح بوده که

ره آورد نجات و سعادت را تضمین می‌نماید. در توصیه‌های امام صادق(ع) آمده است که بر آداب دعا مراقبت داشته باش و متوجه باش که چه کسی را می‌خوانی و چگونه او را می‌خوانی. (نوری، ۱۴۰۸: ۲۷۱/۵) حضرت علی(ع) که از کودکی در دامن رسول گرامی اسلام(ص) پرورش یافته و از علم لدنی نیز برخوردار بوده، می‌فرمودند: «آنچه می‌خواهید از من بپرسید، که من راه‌های آسمان را بهتر از زمین می‌شناسم» (خطبه/۱۸۹) و اینک شایسته است که از افق نگاه بلند آن حضرت، چگونگی دعا کردن را بررسی نمود.

۲-۳-۱. ضرورت اخلاص و توکل در دعا

یکی از شروط اصلی دعا و نیایش با حضرت حق، شرط توکل و اخلاص است؛ زیرا در توکل، انسان در کنار تلاش و کوشش، به خداوند متعال پناه می‌برد و با پناه بردن به قدرت عظیم وی، طلب یاری می‌نماید و در اخلاص، توجه انسان، تنها به قدرت مطلق پروردگار بوده و دست نیاز به سوی او دراز می‌کند؛ چنانکه مولی علی(ع) در یکی از خطبه‌هایی که ایراد فرمودند، خداوند را برطرف‌کننده نیازهای توکل‌کنندگان دانستند و فرمودند: «وَ أَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ» (خطبه/۲۲۷)؛ و در نامه خود به امام حسن مجتبی(ع)، نخست به توکل بر خداوند سفارش نمودند و فرمودند: «وَ أَلْجِيْ نَفْسَكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِيْهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيْزٍ وَ مَانِعٍ عَزِيْزٍ» (نامه/۳۱) (و در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای.) و سپس به اخلاص در هنگامه دعا سفارش نمودند و فرمودند: «وَ أَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَ الْحَرَمَانَ» (همان) (در دعا با اخلاص، پروردگارت را بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست).

در حقیقت، توکل، زاینده ایمان به توحید افعالی است و هنگامی که انسان، در همه امور، خداوند را مسبب‌الاسباب می‌شمارد، طبعاً در مشکلات به او پناه می‌برد و به او توکل می‌نماید و اخلاص نیز از ثمرات ایمان به توحید افعالی است؛ زیرا هنگامی که انسان به این مطلب یقین نماید که عطا و حرمان به دست خداوند است، تنها به در خانه او می‌رود و با خلوص نیت هر چه می‌خواهد از او طلب می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۰۲/۹).

وقتی که انسان بداند خزائن آسمان‌ها و زمین به دست پروردگار است، «بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ» (نامه/۳۱) و بخشش و حرمان تنها در دست اوست، «فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَ الْحَرَمَانَ» (همان)، تنها به او توکل می‌نماید و بدون هر گونه شرکی، مخلصانه او را فرا می‌خواند.

در قرآن کریم نیز وقتی که به استجاب دعا در هنگامه دعا کردن وعده می‌دهد، آن را به ﴿وَلِيُؤْمِنُوا بِهَا﴾ (البقره/۱۸۶) مقیّد می‌نماید. در تفسیر مجمع‌البیان از قول امام صادق(ع)، مراد از این آیه شریفه را چنین مطرح نمودند که دعاکننده باید یقین داشته باشد که خداوند قادر بر بخشش آن چیزی است که وی آن را درخواست نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۰/۲).

۲-۳-۲. اهمیت بخشی به کار و تلاش در کنار دعا

براساس دانشی که حضرت علی(ع)، از اسلوب دعا ارائه می‌دهد، هرگز کار و تلاش به حاشیه نرفته؛ بلکه در این گوی، انسان در کنار درخواست نمودن از درگاه الهی، از تلاش و کوشش دریغ نمی‌ورزد و حتی در راه موفقیت و رسیدن به خواسته‌هایش با اشتیاق عمل می‌نماید؛ همان‌طور که حضرت در نامه خود به امام حسن مجتبی(ع) این چنین توصیه نمودند: «ابْدَأْ قَبْلَ نَظْرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِأَلْهِكَ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيْقِكَ» (نامه/۳۱) (قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی و در راه او با اشتیاق عمل کن تا پیروز شوی) (نامه/۳۱). در الگوی قرآنی نیز انسان با تلاش و کوشش خود، به نتیجه دست می‌یابد و به واسطه تلاش اجر می‌گیرد. ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ﴾ (النجم/۳۹-۴۱)؛ (و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، و اینکه تلاش او به زودی دیده می‌شود، سپس به او جزای کافی داده خواهد شد). در دعا کردن، گنجینه‌های رحمت الهی به روی انسان باز می‌شود و به تعبیر مولی علی(ع) «خداوند کلیدهای گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد، پس هر گاه اراده کردی می‌توانی با دعا، درهای نعمت خدا را بگشایی، تا باران رحمت الهی بر تو بیارد» (نامه/۳۱). اینکه در دعا، درهای رحمت الهی به روی انسان گشوده می‌شود، به معنای فارغیت از کار و تلاش نیست؛ بلکه این انسان است که در نظام اسباب و مسببات عالم، با همت و کوشش، نعمات و رحمت الهی را کسب می‌کند؛ نه آنکه تنها به درهای گشوده می‌نگرد و از خود حرکتی نمی‌کند. در توصیه‌های حضرت آمده «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَعْدَ عَمَلٍ وَ يُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ» (حکمت/۱۵۰) (مانند کسی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد) ایشان که خود فراوان برای اصلاح و هدایت امت دعا می‌کردند، اما در این راه همواره اهل تلاش بودند، تا رسالت هدایتگری خود را به درستی انجام دهند؛ هدایتگری که آموزه‌ها و نصایح شگرف نهج البلاغه بر آن حکایت دارد و پیرامون اصلاح امور مردم می‌فرمودند: «وَ مَا عَلَيَّ إِلَّا الْجُهْدُ» (خطبه/۱۷۸) (وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست). بنابراین با تأسی از خطمشی حضرت در این باره، لازم است ضمن دعا و توکل بر خداوند، در راه رسیدن به اهداف خود، فعالیت و تلاش نمود؛ البته تلاشی در حدّ وسع خود؛ همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ (البقره/۲۸۶)؛ (خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند).

۲-۳-۳. آداب دعا

با دقت در برخی از دعاها و فرمایشات حضرت علی(ع) می‌توان برخی از آداب دعا کردن را از سیره ایشان به دست آورد و در هنگام دعا از آن آداب، بهره برد که در این مجال، به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۳-۳-۱. درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص)

یکی از توصیه‌های حضرت علی(ع) در مورد آداب دعا کردن این است که شخص در هنگام دعا درخواست از خداوند، ابتدا بر پیامبر اکرم(ص) درود فرستد و سپس درخواست خود را بیان نماید. ایشان در این باره

تصریح نمودند: «إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِي إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعُ الْأُخْرَى» (حکمت/۳۶۱) (هر گاه از خدا درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر اسلام(ص) درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه؛ زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورد و دیگری را باز دارد). درخواست درود بر رسول گرامی اسلام (ص) خود زمینه استجاب دعاها می‌گردد و به تعبیر یکی از شارحان نهج البلاغه، در درود فرستان بر رسول خدا(ص) چیزی از خداوند می‌خواهیم، که محبوب او است (مغنیه، ۱۳۸۶: ۴۱۹/۶).

سفارش مولی علی(ع) در این باره، مطابق یکی از آیات قرآن کریم است که براساس آن، خداوند و فرشتگان بر پیامبر اکرم (ص) درود می‌فرستند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الاحزاب/۵۶) (خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید). حضرت علی(ع) خود نیز قبل از بیان برخی دعاها، نخست، بر پیامبر اکرم(ص) درود می‌فرستادند؛ از جمله در نهج البلاغه آمده است: «اللَّهُمَّ ... اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الْخَاتِمِ» (خطبه/۷۲) (بارخدا یا!... گرامی‌ترین درودها و افزون‌ترین برکات خود را بر محمد(ص) بنده و فرستاده‌ات قرار ده، که خاتم پیامبران گذشته است).

۲-۳-۳-۲. شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار

امام متقیان حضرت علی(ع)، پیش از برخی دعاها، نخست شکر نعمت‌های پروردگار را به‌جا می‌آورد؛ همان‌طور که قبل از طلب یاری از درگاه حق تعالی، ابتدا از خداوند به‌دلیل نعمت‌هایش شکرگزاری می‌نمود و می‌فرمود: «أَحْمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَ أَسْتَعِينُهُ عَلَى وَطَائِفِ حُقُوقِهِ» (خطبه/۱۹۰) (خدا را در برابر نعمت‌هایش شکرگزارم و بر انجام حقوق الهی از او یاری می‌طلبم). و یا پیش از درخواست نعمت از خداوند، ابتدا حمد وی را به‌جا می‌آورد و می‌فرمود: «نَحْمَدُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَ ذَادَ عَنْهُ مِنَ الْمُعْصِيَةِ وَ نَسْأَلُهُ لِمَنْتِهِ تَمَامًا» (خطبه/۱۹۴) (خدا را بر توفیقی که بر اطاعتش داده و ما را از نافرمانی باز داشته، ستایش می‌کنیم و از او می‌خواهیم که نعمتش را کامل گرداند).

در کلام مولا علی(ع)، شکرگزاری قبل از درخواست یاری از پروردگار متعال، موجب باز شدن درهای رحمت الهی گشته و زمینه فراوانی خیرات می‌گردد؛ چنانکه در خطبه صد و هشتاد و دو فرمودند: «خدا را بر احسان بزرگش و برهان آشکار و فراوانی فضل و آنچه بدان بر ما منت نهاده است می‌ستاییم. ستایشی که حق او را ادا کند و شکر شایسته او را به‌جا آورد، به ثواب الهی ما را نزدیک گرداند و موجب فراوانی نیکی و احسان او گردد. از خدا یاری می‌طلبیم.» (خطبه/۱۸۲) در کلام ایشان، ناسپاسی نیز زمینه قلت نعمت‌های خداوند می‌گردد؛ چنانکه فرموده‌اند: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَنْعَامُ النَّعْمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَفْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ» (حکمت/۱۳) (چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید).

سخنان حضرت در این باره، برگرفته از آیه شریفه‌ای است که مطابق آن، شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار، زمینه فراوانی آن‌ها و کفران نعمت، موجب عذاب شدید بوده است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿و إِذْ تَأْتِيكُمْ لِيْنُ شِكْرِكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لِيْنُ كَفْرِكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷)؛ (و همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

۲-۳-۳. ذکر صفات و قدرت حق تعالی

یکی از آداب دعا کردن که از سیره‌ی حضرت علی(ع) به دست می‌آید، یادآوری صفات و قدرت پروردگار است. مولی علی(ع) در آستانه نبرد صفین با قاسطین، از خداوند می‌خواهد که از تجاوز به دور باشد و بر حق استوار بماند «إِنَّ أَطْهَرَتَنَا عَلَىٰ عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبَغْيَ وَ سَدَّدَنَا لِلْحَقِّ» (خطبه/۱۷۱) لیکن پیش از آن دعا، این چنین از خداوند یاد می‌نماید: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ الْجَوْ الْمَكْفُوفِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَغِيضًا لِلَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَجْرَىٰ لِلشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ مُخْتَلَفًا لِلنُّجُومِ السَّيَّارَةِ وَ جَعَلْتَ سَكَّانَهُ سَبْطًا مِنْ مَلَائِكِكَ لَا يَسْأَمُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ...» (خطبه/۱۷۱) (ای خدای آسمان برافراشته و فضای نگاه داشته! که آن را زمینه پیدایش شب و روز و جریان گردش ماه و خورشید و مسیر آمد و شب ستارگان سیار قرار داده‌ای و جایگاه گروهی از فرشتگان ساخته‌ای که از عبادت تو خسته نمی‌گردند) و یا حضرت در یکی از خطبه‌ها، قبل از آن که برای پیامبر اکرم(ص) دعا کنند، نخست این‌گونه از قدرت عظیم خداوند یاد نمودند و فرمودند: «اللَّهُمَّ دَاجِيَ الْمَذْحُوجَاتِ وَ دَاجِمِ الْمَسْمُوكَاتِ وَ جَابِلِ الْقُلُوبِ عَلَىٰ فِطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَ سَعِيدِهَا» (خطبه/۷۲) (بارخدا! ای گستراننده هر گسترده! و ای نگهدارنده آسمان‌ها! و ای آفریننده دل‌ها بر فطرت‌های خویش! دل‌های رستگار و دل‌های شقاوت‌زده).

حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، قبل از دعا نمودن، خداوند را با وسعت رحمت و عظمت قدرتش یاد کرده و فرمودند: «وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَىٰ إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ أَنْ يُوقِفَنِي وَ إِتَاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاهُ مِنَ الْإِقَامَةِ عَلَىٰ الْعُدْرِ الْوَاضِحِ إِلَيْهِ» (نامه/۵۳) (از خدای بزرگ، با رحمت گسترده و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست، من و تو را موقوف فرماید، که نزد او و خلق او، دارای عذری روشن باشیم). رعایت این نمونه از آداب دعا از آیات شریفه قرآن کریم نیز حاصل می‌آید؛ به‌عنوان نمونه وقتی که حضرت ایوب(ع) برای رفع حال وخیم خود، به درگاه الهی دعا نمودند، وی را با صفت "ارحم الراحمین" خواندند؛ چنانکه قرآن کریم، اینچنین از آن خبر می‌دهد: ﴿وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (الانبیاء/۸۳)؛ (و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربان‌ترین مهربانانی!»).

۲-۳-۳-۴. رعایت خضوع و خشوع

یکی دیگر از آداب دعا از منظر حضرت علی(ع)، که موجب صحت و تأثیرپذیری آن می‌گردد، درخواست و طلبی خاضعانه و با صدق نیت از درگاه الهی است. ایشان در یکی از خطبه‌های خود به رعایت این آداب در هنگامه نزول بلا و دعا برای برطرف شدن آن توصیه نمودند که البته دلیلی بر حصر آن در هنگام بلا و گرفتاری نیست و می‌تواند از دیدگاه ایشان یکی از آداب دعا کردن محسوب گردد. ایشان فرمودند: «اگر مردم به هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند، و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دستشان رفته، باز خواهد گشت و هر گونه فسادی اصلاح خواهد شد» (خطبه/۱۷۸). در قرآن کریم نیز به حالت تضرع و خشوع در دعا کردن سفارش شده است و فرموده است: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً...﴾ (الاعراف/۵۵)؛ (پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع و در پنهانی بخوانید). در این کتاب و حیانی، یکی از مصادیق دعا با خشوع را دعای حضرت زکریا جهت فرزندان شدن می‌داند و از جمله ویژگی ایشان و همسرش را این گونه بیان می‌دارد: ﴿...و يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾ (الانبیاء/۹۰)؛ (و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و پیوسته برای ما (خاضع و خاشع بودند). در توصیه‌های حضرت علی(ع) پیرامون اسلوب درخواست از درگاه الهی آمده است که با حالت ذلت و فروتنی و ثناگویی و خشوع از خداوند در خواست کنید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۷۴).

۲-۴. فلسفه دعا

در کتاب شریف نهج البلاغه، علاوه بر آموزش محتوای دعا و نیایش و نیز آداب و اسلوب دعا نمودن، هدف و فلسفه دعا و درخواست به درگاه حضرت حق، نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در لابه‌لای خطبه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه، حدود سی دعا از مولا علی(ع) مشاهده می‌شود. (مکارم، ۱۳۸۶: ۴۶۴/۸) که بررسی محتوایی این دعاها در حقیقت گنجی گرانبها از معارف عقیدتی و اخلاقی را به جامعه دینی ارزانی می‌دارد. با بررسی این دعاها، می‌توان به برخی از فلسفه‌های محوری در دعاها حضرت علی(ع) پی برد؛ اهدافی که به دعا از افق والاتری می‌نگرد و به درخواست‌های بندگان، معنویت و عظمت می‌بخشد و آگاهی یافتن از آن‌ها خود می‌تواند چراغ راه جویندگان راه حق گردد که در این مجال به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۴-۱. دفع بلا یا

در سخنان حضرت علی(ع)، دعا نمودن و طلب حوائج به درگاه الهی، موجب دفع بلاهای انسان می‌گردد. ایشان در این باره فرمودند: «وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِاللَّدْعَاءِ» (حکمت/۱۴۶) (و امواج دعا را با دعا از خود دور سازید).

دعا کردن، همان طلب خیر و نیکی است و چنانچه انسان از خداوند طلب خیر نماید و دعای وی به استجابت برسد، از باب غفران و رحمت الهی، بلاهایی که نتیجه اعمال سوء انسان است، از وی دور می‌شود؛ همان‌طور که قرآن کریم پیرامون این موضوع فرموده است: ﴿وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء/۱۱۰)؛ (و هر که کاری ناپسند کند یا به خود ستم روا دارد، آن‌گاه

از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت). در حدیث امام صادق(ع)، دعا کلید هر رحمت و وسیله برآورده شدن هر حاجت دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷۰/۲). بنابراین با دعا نمودن، درهای رحمت الهی به روی بندگان باز می‌شود و بلاهایی که آثار سوء رفتار آن‌ها بوده، دفع می‌شوند.

۲-۴-۲. اجابت حوائج

یکی دیگر از فلسفه‌های دعا نمودن و ابراز حاجت‌های خود به درگاه معبود یکتا، اجابت حوائج از سوی خداوند متعال است. حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، هنگامی که وی را به فرماندهی مصر برگزید، فرمود: «اللَّهُ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ» (نامه/۵۳) (خدا دعای ستم‌دیدگان را می‌شنود). ایشان در نامه خود به فرزندشان امام حسن مجتبی(ع) این چنین فرمودند: «وَ اعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ اَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفُلُ لَكَ بِالْاِجَابَةِ» (نامه/۳۱) (بدان! خدایی که گنج‌های آسمان و زمین در دست اوست، به تو اجازه درخواست داده و اجابت آن را به عهده گرفته است). این موضوع آن چنان مورد تأکید و تضمین پروردگار است که در کلام حضرت، چنین آمده که خداوند تو را به دعا کردن امر نموده است؛ چنانکه فرمودند: «وَ اَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ» (همان) (تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند). در نهج البلاغه بر این مطلب تأکید شده است که هرگز از اجابت دعا ناامید مباش. «فَلَا يُقْطَنُكَ اِنْطَاءُ اِجَابَتِهِ» (همان) و این حقیقت مورد تأیید قرآن کریم است؛ همان‌طور که مطرح شد، خداوند متعال در قرآن کریم، از نزدیک بودن خود به بندگان و استجاب دعا خبر داده است و فرموده است: ﴿وَ اِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ﴾ (البقره/۱۸۶)؛ (و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، بگو: من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم).

علامة طباطبایی دلیل این که چرا با وجود چنین تضمینی از سوی پروردگار در اجابت دعاها، اما برخی از دعاها مستجاب نمی‌شوند را چنین می‌داند که ممکن است دعا، دعای واقعی نباشد، و امر بر دعاکننده مشتبه شده باشد، همچون کسی که اطلاع ندارد خواسته‌اش نشدنی است و از روی نادانی همان را درخواست می‌کند و یا کسی که حقیقت امر را نمی‌داند و اگر بداند هرگز آنچه را می‌خواهد درخواست نمی‌کند و یا این که دعا، دعای واقعی هست، لیکن در دعا خداوند را نمی‌خواند و به زبان از خدا درخواست می‌کند، ولی در دل، همه امیدش به اسباب عادی یا امور خیالی است، اموری که توهم کرده که در زندگی او مؤثرند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴/۲)

در فرهنگ نهج البلاغه، دلیل تأخیر در اجابت دعا این چنین است که گاهی در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود و گاهی نیز بنده درخواست می‌کند، اما اجابت نمی‌شود؛ زیرا خداوند می‌خواهد بهتر از آنچه که فرد درخواست کرده، به او عنایت شود (نامه/۳۱). و سپس حضرت اشاره می‌کنند که «فَلَزُبْ اَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ اُوتِيْتَهُ» (همان) (چه بسا، خواسته‌هایی داری که اگر داده شود، مایه هلاکت دین تو خواهد شد).

بی‌شک درهای رحمت الهی همواره به روی بندگان باز بوده و هرگز قطع نمی‌گردد؛ همان‌طور که حضرت علی(ع) در یکی از خطبه‌های خویش این‌چنین خداوند را ستایش نمودند: «الَّذِي لَا تَبْرَحُ مِنْهُ رَحْمَةٌ» (خطبه/۴۵) (خدایی که رحمتش قطع نمی‌گردد). از این‌رو، باید همواره به استجاب دعا امیدوار بود؛ اما گاهی برخی از معصیت‌ها، موجب می‌شود که انسان در تاریکی فرورفته و نتواند از رحمت بی‌پایان الهی بهره‌بردار شود؛ به‌عنوان مثال در وصیت حضرت علی(ع) به امام حسن و امام حسین(ع)، ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، عامل تسلط اشرار و در نتیجه عدم استجاب دعا می‌گردد؛ چنانکه فرمودند: «لَا تُتْرَكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ - فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارِكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (نامه/۴۷) (امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آن‌گاه هر چه خدا را بخوانید، جواب ندهد).

۲-۴-۳. ایجاد قرب به پروردگار

یکی از فلسفه‌های دعا و درخواست از خداوند در آموزه‌های دینی، ایجاد قرب به پروردگار است. خداوند به بندگان خود نزدیک است؛ اما درک این قرب، نیاز به دعا و نیایش با خداوند دارد؛ بر همین اساس است که پیامبر اکرم (ص)، دعا را مغز عبادت می‌شمردند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۷) در دعا کردن، انسان حائلی بین خود و خداوند نمی‌بیند و خواسته‌های خود را با او مطرح می‌کند و او را حس می‌نماید؛ چنانکه مطرح شد، در قرآن کریم پیرامون این واقعیت آمده است: ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ﴾ (البقره/۱۸۶)؛ (و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!) خداوند به بندگان خود نزدیک است؛ اما تا انسان ظرفیت و تحمل درک این قرب را نیابد، همچنان از او دور است؛ دعا و نیایش به درگاه الهی، از این قرب پرده‌برداری می‌کند.

حضرت علی(ع) به این مطلب اشاره کرده‌اند که هر گاه خداوند را بخوانی، صدایت را می‌شنود و از راز دلت آگاه است. «فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَ إِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ» (نامه/۳۱) (هر گاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود و چون با او راز دل گویی، راز تو را می‌داند. پس حاجت خود را با او بازگویی). به تعبیر یکی از علما، «حکمت دعا، همان روح دعاست که داعی خود را در مشهد و منظر مدعو بداند و او را که خدای سبحان است، شاهد خویشتن کند، شاهدهی که با این مشهود، پیوند دیگری برقرار می‌سازد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

۲-۴-۴. ایجاد آرامش

یکی دیگر از فلسفه‌های دعا کردن بندگان، ایجاد آرامشی است که بندگان در سایه‌سار نیایش و عبادت به دست می‌آورند. حضرت علی(ع) در این‌باره فرموده‌اند: «وَ أَيْتَنَّهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَ شَكُوتَ إِلَيْهِ هُمُومِكَ وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَ اسْتَعْنَيْتَهُ عَلَىٰ أُمُورِكَ» (همان) (و آنچه در دل داری نزد او بازگویی، غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن، تا غم‌های تو را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند). همان‌طور که در مطالب قبل اشاره شد، گاهی درخواست انسان به مصلحت وی نبوده و خداوند بهتر از آنچه که وی

درخواست نموده به او عطا می‌نماید؛ از این رو، برطرف شدن غم و اندوه از طریق دعا نمودن در کلام مولا علی(ع)، به منزله اجابت فوری آن نیست؛ بلکه این از خصلت دعا و درد دل کردن با حضرت حق است که به انسان آرامش می‌بخشد.

حضرت علی(ع) به امام حسن مجتبی(ع)، پیرامون دعا کردن فرمودند که خداوند کلیدهای گنجینه‌های خود را دست تو قرار داده «جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِحَ خَزَائِنِهِ» (همان) باور و اطمینان به چنین واقعیتی در هنگامه دعا کردن، آرامشی وصف‌ناپذیر را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ زیرا در این هنگام، انسان خود را تحت حمایت و قدرتی عظیم یافته که خواسته‌اش را می‌شنود و آن‌گونه که مصلحت است، اجابت می‌نماید.

۲-۵. فلسفه‌های محوری در دعاهای حضرت علی(ع)

با کاوش در دعاهای حضرت علی(ع) در کتاب نهج البلاغه، برخی از فلسفه‌ها و اهداف محوری دعاهای ایشان، نمایان می‌گردد؛ اهدافی که چه بسا به دلیل برد معرفتی والا و عدم توجه بندگان الهی، مورد غفلت قرار می‌گیرند. برخی از آن فلسفه‌ها عبارتند از:

۲-۵-۱. آخرت‌گرایی

حضرت علی(ع) نسبت به دنیا بی‌رغبت بود و تنها به‌عنوان ابزاری جهت آباد نمودن آخرت به آن می‌نگریست و می‌فرمود: «فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَتَّبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ» (نامه/۳۱) (پس جایگاه آینده را آباد کن، آخرت را به دنیا مفروش). ایشان دنیا را از خود دور می‌کردند و خطاب به آن می‌فرمودند: «اعْزُ بِبِي عَنِّي» (نامه/۴۵) (از برابر دیدگانم دور شو).

حضرت علی(ع) در نامه خود به امام حسن مجتبی(ع) سفارش نمودند که «خواسته‌های تو به گونه‌ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین و رنج و سختی را از تو دور کند. پس نه مال دنیا برای تو پایدار و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند» (نامه/۳۱). بدیهی است که دعا در نظرگاه امام علی(ع)، با چنین نگاه عمیق و دوراندیشی، صبغه آخرت‌گرایی به خود می‌گیرد؛ آخرت‌گرایی که مانع می‌شود دنیا برای انسان هدف قرار گیرد، بلکه تنها ابزاری برای آبادی آخرت محسوب می‌گردد؛ همان‌طور که در ادامه می‌فرماید: «وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِئِمَّا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا» (همان) (بدان تو برای آخرت آفریده شدی نه دنیا). و در کوتاهی روزگارش اندیشه کند و به ماندن کوتاه در دنیا نظر دوزد، تا آن را به منزلگاهی بهتر مبدل سازد. پس برای جایی که او را می‌برند و برای شناسایی سرای دیگر تلاش کند. (خطبه/۲۱۴).

۲-۵-۲. هدایت‌گرایی

درخواست هدایت و رستگاری در خطبه‌های حضرت علی(ع)، اهمیت آن را از منظر ایشان ترسیم می‌نماید؛ به‌عنوان مثال در خطبه‌های ایشان چنین آمده است: «اللَّهُمَّ إِنْ فَهَيْتُ عَنْ مَسْأَلَتِي أَوْ عَمِيتُ عَنْ طَلْبَتِي فَدُلَّنِي عَلَى مَصَالِحِي وَ خُدُّ بِقَلْبِي إِلَى مَرَادِي» (خطبه/۲۲۷) (خدایا! اگر برای خواستن درمانده شوم، یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما و جانم را به آنچه مایه رستگاری من است، هدایت کن). به تعبیر یکی از شارحان نهج البلاغه، «این گونه دعا، نهایت ادب را در پیشگاه خداوند در بردارد ... و این

واقعیت را بیان می‌کند که ما هر قدر نسبت به خواسته‌ها و مصالح خودآگاهی داشته باشیم، باز هم امور زیادی است که یا از نظر ما پنهان می‌شود و یا در تشخیص آن به خطا می‌افتیم؛ ولی خداوند از ما آگاه‌تر به مصالح و مفاسد ماست، از او می‌خواهیم که ما را به مصالحان رهنمون گردد» (مکارم، ۱۳۸۷: ۴۶۲/۸). در قرآن کریم، درخواست راسخان در علم پیرامون هدایت نیز این چنین مطرح شده است: ﴿رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (آل عمران/۸)؛ (راسخان در علم، می‌گویند: «پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای») و در آیه‌ای دیگر که در هر نمازی تکرار می‌گردد، درخواست هدایت به راه راست این گونه بیان شده است: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (الفاتحه/۶).

طلب هدایت در سیره حضرت علی(ع) در موقعیت‌های مختلف مصداقیت داشته؛ چنانکه ایشان در یکی از نبردهای خود از خداوند در صورت پیروزی و شکست، درخواستی می‌نماید که در هر دو صورت، دعای ایشان بر محور هدایت و رستگاری استوار است؛ چنانکه می‌فرماید: «إِنْ أَظْهَرْتَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبُغْيَ وَ سَدَّدْنَا لِلْحَقِّ وَ إِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَ اعْصِمْنَا مِنَ الْفِتْنَةِ» (خطبه/۱۷۱) (اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز برکنار دار و بر راه حق استوار فرما و چنانچه آن‌ها را بر ما پیروز گرداندی، شهادت نصیب ما فرموده و از شرک و فساد و فتنه‌ها، ما را نگهدار!).

۲-۵-۲. شیوه‌های درخواست هدایت از منظر حضرت علی(ع)

دعا برای هدایت و رستگاری از منظر حضرت علی(ع)، آن چنان بااهمیت بوده که آن را به طرق مختلف آموزش می‌دادند؛ گاهی خود از گمراه شدن به خداوند پناه می‌بردند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ ... أَوْ أَضِلَّ فِي هِدَايِكَ» (خطبه/۲۱۵) (خدایا! به تو پناه می‌برم از آن که ... در پرتو روشنایی هدایت تو گمراه گردم). و گاهی دعا را به صورت متکلم مع الغیر به کار می‌بردند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ أَوْ تَتَابَعِ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ» (همان) (خدایا! ما به تو پناه می‌بریم از آن که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم، یا هواهای نفسانی پیاپی بر ما فرود آید، که از هدایت ارزانی شده از جانب تو سرباز زنیم). و گاهی برای امت دعا می‌کردند و می‌فرمودند: «وَ أَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جَهْلِهِ وَ يَرْعَوْيَ عَنِ الْغَيِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ» (خطبه/۲۰۶) ((خدایا!) بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند، پشیمان شده به حق بازگردند).

۲-۵-۳. استغفارگرایی

یکی از دعاهای حضرت علی(ع)، امام پارسایان، طلب بخشش به درگاه الهی بوده؛ چنانکه در یکی از خطبه‌های خود، این نمونه از دعا را به زیبایی ترسیم نمودند و فرمودند: «اللَّهُمَّ احْمِلْنِي عَلَى عَفْوِكَ وَ لَا تَحْمِلْنِي عَلَى عَذَابِكَ» (خطبه/۲۲۷) (خدایا! مرا با بخشش خود بپذیر و با عدل خویش، با من رفتار مکن).

ارزش استغفار نمودن از منظر حضرت علی(ع) به اندازه‌ای زیاد است که فرموده‌اند: «در شگفتی از کسی که می‌تواند استغفار کند و ناامید است» (حکمت/۸۷).

حضرت علی(ع)، اسوه پاک و معصومیت، در خطبه‌ی هفتاد و هشتم نهج البلاغه، طلب آمرزش به درگاه الهی را به‌خوبی آموزش داده و فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ عُذْتُ فَقَدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَابَيْتُ مِنْ نَفْسِي وَ لَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِي» (خطبه/۷۸) (خدایا! از من درگذر آنچه را از من بدان داناتری و اگر بار دیگر به آن بازگردم تو نیز به بخشایش باز گرد. خدایا! آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم ببخشای). ایشان در ادامه، مصادیقی از طلب غفران به درگاه خداوند را ذکر می‌کنند که عبارتند از: اعمالی که با زبان به خداوند نزدیک، اما قلباً از انجام آن‌ها خودداری می‌شود؛ نگاه‌های اشارت‌آمیز، سخنان بی‌فایده، خواسته‌های بی‌مورد دل و لغزش‌های زبان (همان).

آموزش استغفار به درگاه الهی در قالب دعاهای حضرت علی(ع)، نیز به شیوه‌های مختلف بوده و در برخی مواقع، طلب مغفرت به‌صورت متکلم وحده بوده؛ همچون این دعا که فرمودند: «اللَّهُمَّ احْمِلْنِي عَلَى عَفْوِكَ» (خطبه/۲۲۷) (خدایا! مرا با بخشش خود بپذیر). گاهی نیز بیان این دعا به‌صورت متکلم مع‌الغیر بوده؛ مانند: «عَفَا عَنَّا وَ عَنكُمْ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ» (خطبه/۱۹۰) (از گناهان ما و شما به فضل رحمتش درگذرد). استغفارگرایی حضرت علی(ع) ترسیم‌کننده مقام شامخ متقین است؛ همان‌طور که در قرآن کریم، استغفار از گناهان، یکی از ویژگی‌های انسان‌های باتقوا شمرده شده است و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ...﴾ (آل عمران/۱۳۵)؛ (و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند).

۲-۵-۴. دین‌گرایی

امام علی(ع)، از بیرون رفتن از گفتار خداوند و یا از دین او، به خداوند پناه می‌برد و می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نُنْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ أَنْ نُنْفَتَنَ عَنْ دِينِكَ» (خطبه/۲۱۵) (خدایا! ما به تو پناه می‌بریم از آن‌که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم).

طلب عافیّت دین در کنار عافیّت بدن در سیره حضرت علی(ع)، نگاه و فلسفه دین‌گرایانه ایشان در دعا به درگاه الهی را نشان می‌دهد؛ همان‌طور که فرمودند: «نَسَأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَدْيَانِ كَمَا نَسَأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَبْدَانِ» (خطبه/۹۹) (از او سلامت در دین را خواهانیم؛ آن‌گونه که تندرستی بدن را از او درخواست داریم). سلامت در دین برای حضرت علی(ع) تا آن اندازه مهم و با اهمیت بوده که در نیایش با حضرت حق، در کنار سلامت بدن از سلامت دین نیز یاد می‌کردند. سلامت در ادیان از جمله امور مهمی است که مورد غفلت و فراموشی انسان قرار می‌گیرد و حضرت علی(ع) در ضمن دعای خویش، اهمیت این موضوع را نمایان ساختند. غفلت از این حقیقت ذیل خطبه مزبور توسط یکی از شارحان نهج البلاغه این‌گونه مطرح شده است: «این زندگانی دنیوی به‌قدری مردم معمولی را سرگرم می‌کند که اگر یک عمر چند صد ساله را هم با تندرستی بدن و بیماری روانی سپری کنند، متوجه نمی‌شوند که با چه وضعی عمر خود را می‌گذرانند!» (جعفری، ۱۳۷۷: ۹/۱۸).

ایشان در خطبه دویست و پانزدهم نیز، به دلیل سلامت جسم و سلامت دین، حمد خداوند را به جا آوردند و فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُصِخْ بِي مَيْتًا وَ لَا سَقِيمًا ... وَ لَا مُرْتَدًّا عَنْ دِينِي» (خطبه/۲۱۵) (ستایش خداوندی را سزااست که شیم را به صبح آورد، بی آنکه مرده یا بیمار باشم ... و نه از دین خدا روی گردانم).

نتیجه گیری

در فرایند این پژوهش، با بررسی اسلوب، آداب و فلسفه دعا از منظر کتاب شریف نهج البلاغه که دریای بیکرانی از دانش حضرت علی(ع) را در خود جای داده، نتایجی به شرح ذیل حاصل آمد:

۱. دعا از منظر امام نخست شیعیان، نوعی عبادت بوده که موجب نجات و رستگاری بندگان می‌گردد و تنها به هنگامه گرفتاری و درد و رنج محدود نمی‌گردد؛ بلکه همه افراد، همواره بدان نیازمندند.
۲. از منظر نهج البلاغه، توکل و اخلاص، از شرایط ویژه و لاینفک دعا شمرده می‌شوند و دعا و درخواست به درگاه الهی مانع از کار و تلاش افراد نمی‌گردد.
۳. دعا نمودن به درگاه الهی از آداب و مقدماتی خاص برخوردار است؛ برخی از آدابی که از گفتار و سیره مولی علی(ع) در نهج البلاغه به دست می‌آید، عبارتند از: درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص)، شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار، ذکر صفات و قدرت حق تعالی و درخواست با خضوع و خشوع.
۴. براساس آموزه‌های نهج البلاغه، دعا و درخواست از درگاه الهی، از اهداف و فلسفه‌هایی همچون دفع بلا، اجابت حوائج، ایجاد قرب به پروردگار متعال و ایجاد آرامش برخوردار است که معرفت‌یابی بدان‌ها، می‌تواند زمینه تشویق و تحریک بندگان به دعا و ارتباط صحیح با حضرت حق گردد.
۵. با واکاوی در دعاهای نهج البلاغه، فلسفه‌های محوری دعاهای ایشان قابل دریافت است؛ فلسفه‌هایی که چه بسا در دعاهای بسیاری از بندگان الهی مورد غفلت قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارتند از: الف) آخرت‌گرایی: حضرت علی(ع) دنیا را به‌عنوان ابزاری جهت آبادی آخرت دانسته و صبغه آخرت‌گرایی در دعاهای ایشان به‌عنوان یکی از فلسفه‌های دعاهای ایشان قابل طرح است. ب) هدایت‌گرایی: درخواست هدایت خود و نیز بندگان الهی در دعاهای حضرت علی(ع)، بیانگر فلسفه هدایت‌گرایی دعاهای ایشان است. ج) استغفار‌گرایی: طلب بخشش و آمرزش حضرت علی(ع) از درگاه الهی برای خود و دیگران، اهمیت و هدفمندی دعاهای ایشان را در این راستا جلوه‌گر است. د) دین‌گرایی: دعاهای حضرت علی(ع) پیرامون عافیت در دین و اهمیت بخشی بدان، یکی دیگر از فلسفه‌های محوری دعاهای ایشان را ترسیم می‌نماید.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن فارس، احمد. (بی تا). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۲۰۰۰م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تسنیم (تفسیر قرآن کریم). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). حکمت عبادات. قم: اسراء.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۷). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: انتشارات ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۳). مفردات ألفاظ القرآن الکریم. قم: ذوی القربی.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۷). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). الامالی. قم: دارالثقافة.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد بن باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۶). فی ظلال نهج البلاغه. قم: مؤسسه دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۷). پیام امام امیرالمؤمنین(ع). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع).
- نوریها، حسنعلی. (۱۳۷۲). پرورش در پرتو نیایش. قم: انتشارات دارالفکر.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.